



تک‌گویی‌های کلاسیک

برای مردان | ویراستهٔ کریس سالت | غلامرضا شهبازی |

Classical Monologues for Men | Chrys Salt | G.R Shahbazi |



نگ‌گویی‌های کلاسیک برای مردان |

ویراسته کرپس سالت |

ترجمه غلامرضا شهبازی |

ویراستار: شیرین قاسملو |

نمونه خوان: کیمیا نیک‌پور |

تنظیم صفحات: مرجان نصرتی |

مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش تصاعدیان |

مدیر تولید: مصطفی شریفی |

چاپ اول | ۱۳۹۸ | تهران | ۱۰۰۰ نسخه |

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۰۱-۰۱-۲ |

Bidgol Publishing co. | نشر بیدگل |

تلفن انتشارات: ۲۸۴۲ ۱۷ ۱۷ |

فروشگاه: تهران | خیابان انقلاب | بین ۱۲ فروردین و فخررازی | پلاک ۱۲۷۴ |

تلفن فروشگاه: ۶۶ ۹۶ ۳۶ ۱۷، ۶۶ ۴۵ ۳۵ ۴۶ |

bidgolpublishing.com |

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. |

اگرچه اجرائی از این نگ‌گویی‌ها منوط به اجازه رسمی از مترجم یا ناشر است.* |

* یادداشتی در مورد حقوق مادی و معنوی این اثر:

اجرای نمایشنامه‌های چاپ‌شده، بدون کسب اجازه از مترجم و ناشر، به کاری معمول در تئاتر ایران بدل شده است؛ این کار بیشتر اوقات با تغییر جزئی در ترجمه و دست‌بردن در آن صورت می‌گیرد و هدف و نتیجه آن کتمان حقوق معنوی و مادی صاحبان اثر، و توهین به مخاطبان و نپذیرفتن هیچ‌گونه مسئولیت حرفه‌ای است. برای مترجمان بسیار پیش می‌آید که بدون چشم‌داشت مادی اجازه اجرای اثر را بدهند، به خصوص برای همراهی با اجراهای شهرستان‌ها و دانشجویان، اما بی‌شک همه آنان خواستار رعایت حقوق معنوی خود (ذکر نام مترجم) در هر اجرائی هستند.

بنابراین، نشر بیدگل استفاده بدون اجازه از ترجمه‌های نمایشی‌اش را، اعم از اجراهای رسمی کوچک یا بزرگ، به‌ویژه در تئاتر تهران و جشنواره‌ها، اقدامی غیرقانونی قلمداد می‌کند و از طریق مراجع مربوط موضوع را به‌درد پیگیری خواهد کرد.

مجموعه نمایشنامه‌های بیدگل

مجموعه نمایشنامه‌های بیدگل، مجموعه‌ای منحصر به فرد از نمایشنامه‌هایی است که تا به حال به فارسی ترجمه نشده‌اند، و با ترجمه‌ی مجددی از نمایشنامه‌هایی خواهد بود که از هر جهت لزوم ترجمه‌ی مجدد آنها حس می‌گردد. این مجموعه تا حد امکان می‌کوشد تا تأکید خود را به جای ادبیات متن نمایشی، بر ویژگی اجرایی آن بگذارد و بدین ترتیب به نیازهای اجرایی متون نمایشی پاسخ گوید.

معرفی جهان‌های متفاوت نمایشی، از اهداف اصلی این مجموعه خواهد بود؛ جهان‌هایی که تا به حال برای خوانندگان فارسی‌ناگشوده مانده‌اند یا سیاست‌های فرهنگی خاص، مانع از گشوده شدن آنها شده است. این مجموعه برای اینکه حداکثر آثار نمایشی را پوشش دهد، خود به حوزه‌های کوچک‌تر زیر تقسیم شده است: کلاسیک‌ها، کلاسیک‌های مدرن، امریکای لاتین، بعد از هزاره، تک‌پرده‌ای‌ها، چشم‌انداز شرق، نمایشنامه‌های ایرانی، نمایشنامه‌های امریکایی، نمایشنامه‌های اروپایی. برای درک بهتر خواننده از دنیای نویسنده و متن او، هر نمایشنامه با یک مقاله یا نقد همراه خواهد شد.

دبیر مجموعه
علی‌اکبر علیزاد

| فهرست |

۱۳

مقدمه

آثار کلاسیک یونانی و رومی

۲۱

• پیک از ایرانیان نوشتهٔ آیسخولوس

۲۷

• فِرس از آلسست نوشتهٔ اورپید

۳۱

• پیک از مدها نوشتهٔ اورپید

۳۷

• نوکرا از مدها نوشتهٔ اورپید / لیز لاکهد

۴۵

• آگامنون از ایف ... (ایفینگنیا در آتولیس) نوشتهٔ اورپید/کالین تیوان

۴۹

• فیلولاکس از خانهٔ جن زده نوشتهٔ پلوتوس

آثار انگلیسی البزابتی و جاکوبی

۵۵

• متیو مری گریک از رالف لافزن نوشتهٔ نیکلاس یودال

۵۹

• تیمور لنگ از تیمور لنگ نوشتهٔ کریستوفر مارلو

۶۳

• پلک ویل از آردن فورشم نوشتهٔ نویسنده‌ای گمنام

۶۷

• آپرون از رؤیای یک شب نیمهٔ تابستان نوشتهٔ ویلیام شکسپیر

۷۱

• سایمون ایر از جشن کفاشان نوشتهٔ تامس دیگر

۷۵

• آنتونیو از انتقام آنتونیو نوشتهٔ جان مارستین

۷۹

• میندوزا از ناراضی نوشتهٔ جان مارستین

- ۸۳ • کاکله‌دمای از بدکاره اشرفی آلمانی نوشته جان مارستین
- ۸۷ • وُلپونه از وُلپونه نوشته بن جانسون
- ۹۱ • شوهر از یک تراژدی یورکشایری نوشته نویسنده‌ای گمنام
- ۹۵ • سائیل از کیمیاگر نوشته بن جانسون
- ۹۹ • کاردینال وُلزی از هنری هشتم نوشته ویلیام شکسپیر
- ۱۰۳ • دِ فیلورس از بدل نوشته تامس میدلتین و ویلیام زولی
- ۱۰۷ • لوک از خانم شهری نوشته فیلیپ مسینجر
- ۱۱۱ • جیوانتی از حیف که او زنی وِلنگار است نوشته جان فورد

آثار انگلیسی دوره بازگشت و قرون هجدهم و نوزدهم

- ۱۱۵ • ویلموراز خانه‌به‌دوش نوشته اِفرابن
- سیرابیون از همه چیز در راه عشق، یا جهان سراسر از دست رفته
نوشته جان درایدن
- ۱۱۹ • اسکاراموش از امپراتور ماه نوشته اِفرابن
- ۱۲۳ • جریمی فیچ از عشق در برابر عشق نوشته ویلیام کانگریو
- ۱۲۷ • فالکلند از ژفا نوشته ریچارد برینزلی شردان
- ۱۳۱ • دَبِلِر از فضل فروشان نوشته فنی پرنی
- ۱۳۵ • اِرل آرگیل از افسانه خانوادگی نوشته جوانا پیلی
- ۱۳۹

آثار اسپانیایی و فرانسوی

- ۱۴۳ • دون گوتیه‌ره آلفونسو سولیس از جراح شرافت نوشته کالدرون دِ لا بارکا
- ۱۴۷ • رودریگو از سید نوشته پی‌یر کورنی
- ۱۵۱ • آرنولف از مکتب زنان نوشته مولیر
- ۱۵۵ • تارتوف از تارتوف نوشته مولیر
- ۱۶۱ • نرواز بریتانیکوس نوشته ژان راسین
- ۱۶۵ • فیگارو از عروسی فیگارو نوشته بومارشه
- ۱۶۹ • گنارو از لوکریشیا بورجانوشته ویکتور هوگو
- ۱۷۳ • پردبکن از عشق شوخی برنمی دارد نوشته آلفرد دو موسه

آثار روسی و اسکاندیناویایی

- اُسیپ از بازرس نوشته نیکلای گوگول ۱۷۷
- کشیش مَندرس از جن‌زدگان نوشته هنریک ایبسن ۱۸۳
- اِسْمیرنوف از خرس نوشته آنتون چخوف ۱۸۷
- آندری از سه خواهر نوشته آنتون چخوف ۱۹۱



مقدمه |

زمانی که شما را برای آزمون بازیگری فرامی‌خوانند، یا از شما می‌خواهند نوشته‌ای را «خشک و بی‌روح» بخوانید، یا بخشی از مجموعهٔ آزمون‌های بازیگری‌تان را اجرا کنید، قطعاً باید چند قطعه از متون درآستین داشته باشید، خواه همان روال معمول «یک قطعهٔ کلاسیک و یک قطعهٔ معاصر» برای ورود به مدرسهٔ درام باشد، خواه قطعه‌ای برای یک آزمون بازیگری خاص.

شما در آزمون بازیگری، هم باید نشان دهید آدم مناسبی برای این نقش خاص هستید و هم اینکه هنرمندی هستید که دارای استعداد و تخیل است. در این صورت، حتی اگر شما این بار به درد نقش نخوردید، در هنگام انتخاب مجدد بازیگر در ذهنشان هستید.

این کتاب گلچینی از متون کلاسیک، از آیسخولوس تا چخوف، است. حتی اگر آزمون بازیگری پیش رو ندارید، تحقیق دربارهٔ یک نمایشنامه و آموختن یک گفتار تئاتری تجربه‌ای ارزشمند است. (بازیگر جوانی را می‌شناسم که سه بار او را برای یک فصل رپرتوار صدا زدند و از او خواستند که نه قطعه برای آزمون بازیگری آماده کند، بنابراین نگویند که قطعات زیادی از بزم). این قطعات را مرتب تمرین کنید که وقتی تلفن زنگ زد به چه‌کنم چه‌کنم نیتید. این کار ذهن شما را فعال نگه می‌دارد و زمینهٔ بروز خلاقیت‌تان می‌شود.

بازی در آثار کلاسیک چه تفاوتی با بازی در نمایش‌های مدرن دارد و چطور نقش مناسب‌تان را انتخاب کنید؟

وقتی مجموعه‌ی قطعات کلاسیک‌تان را انتخاب می‌کنید، با دقت به این موضوع فکر کنید که به چند قطعه نیاز دارید و برای چه نقشی آزمون می‌دهید. روکردن تراژدی انتقام عصر جاکوبی، برای آزمون کم‌دی بازگشت^۱ بی‌فایده است یا اگر سن شما چهل و دو سال تمام و ظاهر‌تان شبیه زندانی فراری مجموعه‌ی تلویزیونی ایست‌اندرز^۲ است به درد نشان دادن قهرمان زن رؤیایی‌تان نمی‌خورد. حتی وقتی برای نقش‌های کلاسیک آزمون می‌دهید باید چیز مناسبی بیابید - نقشی که عملاً احتمال دارد برای آن در نظر گرفته شوید. می‌دانم، می‌دانم که شما بازیگر شده‌اید تا از درون دچار تحول شوید و نشان دهید که همه‌فن‌حریف هستید. باین‌همه، هنوز سن، تجربه، تحصیلات، طبقه، دامنه‌ی آوایی و ظاهر فیزیکی، شما را محدود می‌کند، پس واقع‌بین باشید. باوجوداین، اینها مواد خامِ منحصربه‌فرد هنر شما هستند. هیچ‌کس شبیه شما نیست.

هنگام نوشتن کتابم با نام از پس بازیگری برآید^۳، با جود کلی^۴ گپ جالبی درباره‌ی «انتخاب بازیگر مناسب» زدم، چیزی که، از قرار معلوم، مورد‌بی‌مهری قرار می‌گیرد. آن گفت‌وگو را دوباره در اینجا نقل می‌کنم تا در زمان انتخاب قطعات، آن را به یاد آورید.

خیلی سخته که به بازیگر بفهمونی که اونا رو رد نمی‌کنی چون کمتر از دیگران خوبن - اونا رو رد می‌کنی چون به جورایی، به نقش نمی‌خورن. بازیگر از این خیلی دلخور می‌شن ولی اگه ازشون سؤال کنی که نظرت در مورد اون کاره چیه، بیشترشون می‌گن «اون یارو به درد اون نقش نمی‌خورد.» درعین حال،

۱. *The Relapse*: (بازگشت یا پاکدامنی در معرض خطر است) کم‌دی‌ای از دوره‌ی بازگشت نوشته‌ی جان وِنبِر (۱۷۲۶-۱۶۶۴). (م.)

2. *EastEnders*

3. *Make Acting Work*

۴. Jude Kelly؛ کارگردان هنری سابق وست یورکشایر پلی‌هاوس (West Yorkshire Playhouse)

اونا از فرصت کاملاً برابر دفاع می‌کنن بدون اینکه از «انتخاب بازیگر مناسب» حرفی بزنن...

متون کلاسیک در مقایسه با متون مدرن چالش‌های مختلفی پیش روی بازیگران می‌گذارند و بُنیه و تخیل قوی‌تر، انعطاف‌پذیری آوایی و کنترل بیشتری بر تنفس می‌طلبند. بدنتان را سالم و قزاق نگه دارید و هر روز تمرین‌های تنفستان را انجام دهید تا هیکل متناسبی داشته باشید، کاری که در هر صورت هر بازیگری باید انجام دهد. شخصیت‌ها زبانی به کار می‌برند که غریب است، نحوی که ما با آن آشنا نیستیم و کلماتی که در دایره واژگان ما نیست. گاهی، متون منظوم نوشته شده‌اند؛ زبان آنها فاخر است و حاوی فرایندهای فکری پیچیده و مطول‌اند که خود انواع مسائل را تحمیل می‌کند. اگر متن منظوم باشد، آیا شما ساختار، قافیه‌ها و ضرب‌آهنگ‌های آن را فدای لحن خودمانی‌تر می‌کنید؟ چطور می‌توانید وزن و آهنگ شعر را حفظ کنید، در حالی که هم‌زمان لایه‌های عاطفی و معنایی آن را نشان می‌دهید؟ چگونه می‌توانید کاری کنید که تماشاگران امروزی با این متون ارتباط برقرار کنند؟ چطور به این شخصیت‌های ظاهراً «بیش از اندازه عظیم» جان ببخشید و کاری کنید که نفس بکشند، آن هم وقتی که موقعیت‌ها و شیوه‌های بیان آنها بسیار ناآشنا به نظر می‌رسند؟ همین الان چقدر نفس نیاز دارید تا حستان را در طول پنج خط مصراع پنج‌ضربی ایامیک^۱ نگه دارید؟ تعجبی ندارد که بازیگران با ترس ولرز به سراغ متن کلاسیک می‌روند.

از من توقع نداشته باشید که در یک کتاب آزمون بازیگری مقاله‌ای در باب بازیگری کلاسیک بنویسم، هرچند می‌توانم چند راهنمایی کنم که ممکن است در مورد این نوع متون کمکتان کند. یکی دو دقیقه زمان اندکی است تا شما «هنرتان را نشان دهید»، بنابراین امیدوارم نظراتم کمک کند تا فرصت‌هایتان به بالاترین حد برسد. کوشیده‌ام، تا آنجا که در توانم است،

1. iambic pentameter

در بدنهٔ این متن اطلاعاتی در زمینهٔ بافت کلام، و همچنین یافتن معنا برای کلمات و لحن‌های نه‌چندان رایج در اختیار شما بگذارم. امیدوارم آنچه در پی می‌آید به اینها کمک کند.

- نمایشنامه را بخوانید. نباید توقع داشته باشید همهٔ آنچه را که نیاز دارید دربارهٔ شخصیت و موقعیتش بدانید از یک تک‌گفتار، یا در واقع از نظرات من، کسب کنید.

- متن را دقیق یاد بگیرید (شما نمی‌توانید کانگریو^۱ را ساده کنید یا مصراع‌های پنج‌ضربی ایامیک را بداهه‌پردازی کنید) و هرچه می‌توانید از شخصیت‌تان و سفرش در طول نمایشنامه کشف کنید. اینکه کجا هستید؟ از کجا آمده‌اید؟ کجا قرار است بروید؟ شخصیت‌های دیگر دربارهٔ شما چه می‌گویند؟ شخصیت اهل کجاست و چه لهجه‌ای ممکن است داشته باشد؟ در مورد دورهٔ تاریخی، آداب اجتماعی و لباس شخصیت تحقیق کنید. آنچه شخصیت شما به تن می‌کند در طرز ایستادن، نشستن، راه رفتن و رفتار او تغییر ایجاد می‌کند - شما با شکم‌بند نمی‌توانید دولاشوید. چه می‌خواهید؟ پول؟ قدرت؟ عشق؟ چه چیز شما را وادار به انجام دادن کاری می‌کند؟ شهوت؟ نفرت؟ جاه‌طلبی؟ انتقام؟ چرا الان این را می‌گویید؟ با شخصی که با او حرف می‌زنید چه رابطه‌ای دارید؟ عاشق است؟ دشمن است؟ رقیب است؟ یا در واقع با تماشاگران حرف می‌زنید؟ شاید بر صحنه تنهاییید و با خودتان حرف می‌زنید و آنچه را که در سرتان می‌گذرد برای تماشاگران اعتراف می‌کنید و آنها را از افکار و تعارض‌های درونی‌تان باخبر می‌کنید یا آنها را مستقیماً خطاب قرار می‌دهید و با آنها مانند دوست، همدست یا محرم اسرار رفتار می‌کنید. آیا آنها را در شادی خود سهیم می‌کنید؟ آیا می‌خواهید شما را تأیید کنند؟ شاید از روند کنش نمایشنامه خارج می‌شوید تا دربارهٔ شخصیت‌های دیگری که صدای شما را نمی‌شنوند اظهار نظر کنید؟ نمایشنامه چه سبکی دارد؟ رویدادهای نمایشنامه در چه زمان و مکانی رخ می‌دهند؟ کمدی است یا تراژدی؟ باید در همهٔ اینها دقیق شوید.

۱. Congreve (۱۷۲۹-۱۶۷۰)؛ نمایشنامه‌نویس انگلیسی

• موقعیت را بازی کنید. قصد و نیت شخصیت را بازی کنید. رابطه را بازی کنید. اگر متن برای تان سخت بود، آن را به زبان محاوره‌ای برگردانید. آن را با صدای بلند بگویید و بعد با «ترجمه محاوره‌ای» که در ذهن دارید به سراغ متن اصلی بروید. تمرین کنید تا در دهانتان بچرخد. مطمئن شوید که آن را می‌فهمید. متن را بشکافید و با آن سروکله بزنید تا برای تان جا بیفتد. نمی‌توانید چیزی را که خودتان واقعاً نفهمیده‌اید به تماشاگر بفهمانید. اگر آن را نفهمیده باشید نمی‌توانید هیچ پیوند عاطفی‌ای با آن برقرار کنید. اگر متن مبهم باشد، زیرمتن باید شفاف و روشن باشد. از آنچه می‌گویید دقیقاً چه منظوری دارید؟ شخصیت‌ها برای بده‌بستان و بیان خود ابزار دیگری غیر از متن در اختیار دارند.

• اگر متن منظوم است گوشتان را با ضرب‌آهنگ‌ها، قافیه‌ها و طنین آن کوک کنید، و همچنین به سجاوندی، طول مصراع‌ها، پایان مصراع‌ها دقت کنید – اینها غالباً راهنمای تأکید، تند و کند کردن، سرعت گفتار، تحول فکر و سکوت‌های هوشیارانه شخصیت است. به تکرارها و جای تغییر ضرب‌آهنگی ثابت توجه کنید و دلیل آن را از خود پرسید. ^۱ به‌عنوان مثال، این بیت قوی و مقفا را از گفتار فرس خطاب به پسرش در آنسست اورپید در نظر بگیرید. از تجزیه و تحلیل این جمله چه می‌توانیم بیاموزیم؟

«به جای تو جان نمی‌سپارم؟»... من از تو نخواستم که بمیری به جای من.

تو عاشق زندگی هستی؛ من به آن، عشق نورزم، من؟...

آن را با صدای بلند بخوانید – ضرب‌آهنگ را دقیق رعایت کنید. این مصراع پنج‌ضربی ایامبیک است، این طور نیست؟ باز با دقت آن را بخوانید و سجاوندی را رعایت کنید. جمله نخست به ما چه می‌گوید؟ جمله کوتاه است و به هدف می‌زند. بنابراین صریح و بی‌پرده است. این جمله سؤالی است و درون علامت نقل قول قرار گرفته است. فرس دارد حرف‌های

۱. مواردی از این دست که در اینجا و چند جای دیگر کتاب آمده، به متن انگلیسی برمی‌گردد و برای تأکید بر اهمیت جزئیات برای خواننده فارسی‌زبان آورده شده است. (م.)

پسرش را به خودش برمی‌گرداند و درستی آنها را مورد تردید قرار می‌دهد. اینکه از کسی بخواهی جای تو بمیرد درخواست بسیار وقیحانه‌ای است، به خصوص اگر طرف پدرت باشد. به سه نقطه‌ای که پس از سؤال می‌آید نگاه کنید. این سه نقطه به خشیم فرس مجال بروز می‌دهد. تو چطور می‌توانی چنین چیزی از من بخواهی؟ من از تو چنین تقاضایی کردم؟ ببینید دونقطه به شور و احساس پیش از آن در سطر دوم چه وزنی می‌بخشد. این یک واقعیت است. «تو زنده بودن را دوست می‌داری.» سپس تکرار «من»، ویرگول بعد از «آن»، که با سطر اول هم قافیه است. آیا او اینجا از خود سؤال می‌کند؟ آیا فرس از خود می‌پرسد باید جان خود را فدا کند؟ چرا می‌گوید «به آن عشق نورزم؟» و نمی‌گوید «نباید به آن عشق بورزم؟» شعر ایامبیک، قافیه و تکرار، چه قوتی به این سطرها می‌بخشد؟ شدت احساسات پیرمرد در آنها طنین می‌اندازد.

«به جای تو جان نمی‌سپارم؟» من از تو نخواستم که بمیری به جای من.

تو عاشق زندگی هستی؛ چرا نباید من هم به آن عشق بورزم، من؟...

خیلی به هم شبیه نیستند، نه؟

بنابراین می‌توان با دانش بسیار اندکی درباره متن از بخش کوچکی از آن اطلاعات فراوانی بیرون کشید. این کار نیازمند دقت است و زحمات شما بی‌جواب نخواهد ماند.

کم‌اند افرادی که مانند مکبث، گُشتن پادشاه اسکاتلند را تجربه کرده باشند، اما ما قادریم آن جاه‌طلبی‌ای را که او را به این کار وامی‌دارد بفهمیم. تخیل زیادی نمی‌طلبد تا خود را جای این مرد بگذاری. ممکن است شخصیت‌ها بیش‌ازحد عظیم باشند، عواطفشان اغراق‌آمیز باشد، زبانشان متعلق به دوره تاریخی دیگری باشد، با این همه این نمایشنامه‌ها نوشته شده‌اند تا بازیگرانی درست مانند شما آنها را بر زبان بیاورند و هیجاناتی را منتقل کنند که فرقی با هیجان‌ات ما ندارند. این متون، قرن‌ها زنده مانده‌اند، بی‌آنکه چیزی مؤثر و قوی برای تماشاگران امروز در چننه داشته باشند.

نباید شرح‌های من را «دستورالعمل» سفت و سخت به شمار آورد. در اینجا دستورالعمل در آزادترین نوع خودش مدنظر بوده است. این به خود شما بستگی دارد که تحقیق کنید و این نقش‌های بی‌نظیر را تفسیر نمایید. «راه درستی» برای بازی کردن این نقش‌ها وجود ندارد، علاوه بر این کارگردان‌ها همواره گوش تیز می‌کنند تا نظر دست‌اول شما را در مورد قطعه معرفی بشنوند. تلاش کرده‌ام تا در مورد پیش‌زمینه، بافت، تفسیر و رویکرد، چند توصیه و راهنمایی کنم تا سرنخ‌هایی پنهان در باب زبان، ساختار یا نحو به شما بدهم. توضیحات صحنه را جایی آورده‌ام که به نظر بجا و مناسب است. گاهی کل یک گفتار طولانی را آورده‌ام، بنابراین شما می‌توانید «ستون فقرات» متن را ببینید و بعد خودتان آن را قطعه‌قطعه کنید و گاهی در موارد کمی، که با حذف طرف دیگر گفت‌وگو حفظ جریان فکر قطعه ممکن بود، گفتارها را به هم متصل کرده‌ام. امیدوارم این کتاب برای شما گلچینی جالب توجه و متفاوت باشد. اما مهم‌تر از آن، امیدوارم این مجموعه کمک کند تا آن شغل را از آن خود کنید. پیروز باشید.

منتشر بیدگل